

تأثیر اندیشه عماد فقیه بر شعر حافظ

ماندانا متکلی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد انار

چکیده

خواجه عماد فقیه کرمانی - عارف و شاعر ایرانی - از معاصران و ستایشگران آل مظفر بود. او در پی مرگ پدر و عم خود، اداره خانقاهی را که آن دو عارف بزرگ در کرمان برپا کرده بودند، برعهده گرفت. سپس از جانشین شیخ زین‌الدین کامویی - مرید شیخ شهاب‌الدین سهروردی - به دریافت خرقه نایل آمد. از آن پس، کردار و گفتار عماد بر محور خانقاه و خانقاهیان قرار گرفت. البته مواردی از گرایش‌های ملامتی در دیوانش دیده می‌شود. عماد به مبادی و اصول و احکام شرع پایبند بود و بسیاری از اشعارش را درباره مسئله توحید و یگانگی خداوند سرود. او به پیامبر اکرم (ص) و خاندان عصمت و طهارت (ع)، ارادتی خاص داشت. جنبه دیگر اندیشه عماد، بند و اندرز است که در تمامی آثارش وجود دارد. کلام عماد، استوار، دور از ضعف معنوی و لفظی همراه با مضامین لطیف و معانی بلند است. وی اشعارش را به شیوه سعدی می‌سرود و در عین حال به آثار نظامی گنجوی و انوری توجه داشت. بعدها، خواجه حافظ به میزان بسیاری از او تأثیر پذیرفت.

کلیدواژه‌ها: عماد فقیه، حافظ، اندیشه، عرفان، تأثیر پذیری.

خواجه عمادالدین علی بن محمود، مشهور به عماد فقیه کرمانی (م ۷۷۳ ق.) عارف و شاعر ایرانی از معاصران و ستایشگران آل مظفر، به‌ویژه ابوالفوارس شاه‌شجاع (حک

سال‌های (۷۱۰-۷۰۱ ق.) دانست (عماد کرمانی، ۱۳۸۰؛ سه؛ کوی سلامت، ص ۴۳۱). از جزئیات زندگی این عارف و شاعر برجسته که از عوامل مؤثر در رشد و تکامل عرفان و تصوف اسلامی در سده هشتم هجری بوده است، نیز آگاهی چندانی در دست نیست، اما باتوجه به آن مقدار از سرگذشت وی که در کتاب‌ها و تذکره‌ها و نیز سروده‌های خود وی آمده است، می‌توان تا حدودی به شخصیت و افکار او پی برد (مدرسی، ۱۳۸۳: ۴۳۱).

از صحبت‌نامه و صفانامه عماد چنین برمی‌آید که پدرش محرم خاص شیخ نظام‌الدین محمود، از شاگردان زین‌الدین عبدالسلام کامویی (م ۶۹۶ ق.) مرید شیخ شهاب‌الدین سهروردی (م ۵۸۷ ق.) عارف نامدار بوده است. از سوی دیگر، بررسی‌ها نشان می‌دهد شیخ نظام‌الدین که پس از دریافت خرقه از زین‌الدین کامویی در کرمان خانقاهی دایر کرده و پس از آن عماد را محرم خاص خویش قرار داده و نیز به فاصله یک هفته با وی درگذشته، کسی جز عماد نبوده است.

در هر حال، عماد در پی مرگ پدر و عم خود، اداره خانقاهی را که آن دو عارف بزرگ در کرمان برپا کرده بودند برعهده گرفت و چندی بعد از جانشین شیخ زین‌الدین خرقه خلافت دریافت کرد. (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۷۴: ۵۶، ۵۸ و ۵۹)

عماد از آن‌رو که از اوضاع اجتماعی و سیاسی کرمان آزرده‌خاطر بود، پیوسته آرزوی سفر داشت. وی در سال ۷۶۳ ق. همراه خواجه جلال‌الدین - وزیر کرمان - رهسپار مکه شد و حج گزارد و پس از مدت یک‌سال به کرمان بازگشت. وی به شیراز نیز سفر کرد و در آن شهر اشعاری در ستایش شاه ابواسحاق اینجو (حک ۷۴۴-۷۵۸ ق.) سرود (عماد کرمانی، ۱۳۸۰: چهار).

عماد فقیه سرانجام درحالی که پیر و فرتوت شده بود، از دنیا رفت و در خانقاهش واقع در محله سرپل دولت‌آباد کرمان به خاک سپرده شد. آرامگاه او تا مدت‌ها زیارتگاه اهل دل بود. وی از جمله گویندگانی بود که در هنگام حیات شهرت بسیار کسب کرد (عماد کرمانی، ۱۳۴۸: صد و سیزده، صد و هفده). از ممدوحانش می‌توان غیر از شاه ابواسحاق، امیر

تأثیر اندیشه عماد فقیه بر شعر حافظ ۲۰۵

مبارزالدین مظفر (حک ۷۵۹-۷۱۳ ق.) شاه شجاع، معین‌الدین شرف‌الملک مظفر (و ۷۲۵ ق.) فرزند امیر مبارزالدین، خواجه قوام‌الدین محمد صاحب عیار (م ۷۶۴ ق.) وزیر شاه شجاع، تاج‌الدین عراقی - وزیر سلطان ابوسعید ایلخانی - و امیر مبارزالدین، شمس‌الدین محمود صاین، خواجه غیاث‌الدین وزیر و جز آنان را نام برد. (عماد کرمانی، ۱۳۷۵: ۴۴، ۴۹، ۵۷-۵۴)

عماد در سرودن انواع شعر، به‌ویژه غزل، قصیده و مثنوی توانایی داشت. از وی آثاری مانند دیوان قصائد و غزلیات، منظومه ده‌نامه و مثنوی‌های صحبت‌نامه (۷۳۱ ق.)، محبت‌نامه، (۷۳۲ ق.)، کتاب‌المعارف | همایون‌نامه | فاتحة‌الاحلاص (۷۴۱ ق.)، طریقت‌نامه (۷۵۰ ق.) و صفانا‌مه | مونس‌الابرار به یادگار ماند. درخشش معاصر بزرگ عماد فقیه - خواجه حافظ - باعث شد که جلوه و ارزش واقعی اشعار عماد کاهش یابد، تا جایی که وی در ردیف یکی از بزرگ‌ترین شاعران گمنام قرار گرفته است. (عماد کرمانی، ۱۳۸۰: پنج؛ کوی سلامت، ص ۲۷۷)

اندیشه عماد

از آنجا که شیخ عماد از کودکی در خانقاه رشد کرده و با آن مانوس بوده است، محور کردار و گفتار او بر خانقاه و خانقاهیان قرار داد. به همین سبب علاقه وی به خانقاه در تمامی آثارش مشهود است (طفیانی، ۱۳۸۳: ۲۲۷). با اینکه بیشتر اشعار عماد مفاهیمی مانند عشق، شرابخواری و رندی دربر دارد، وی نظیر دیگر شاعران عارف، این مفاهیم را در معنای عرفانی و بیان حقایق عارفانه به کار برده است، مانند:

ننوشد خرده‌دان خمر خردپوش که گردد هرچه می‌داند فراموش

ز می مقصودم آن صافی زلال است که پیش صاحب تقوا حلال است
(رادفر، ۱۳۷۸: ۴۲-۴۱؛ کوی سلامت، ص ۴۶۱-۴۶۰)

در دیوان عماد فقیه مواردی وجود دارد که از گرایش‌های ملامتی او حکایت می‌کند:

در کیش ما نشانه تیر ملامت است دل کز کمان ابروی او گوشه گیر شد

ما رخت دل به کوی ملامت کشیده‌ایم

خط بر سر حروف سلامت کشیده‌ایم

فریاد از آن ریاضت دلسوز جان‌گداز

کز شوق کشف و عشق کرامت کشیده‌ایم

هرکس عماد دردی و رنجی کشیده‌اند

ما درد عشق و رنج ملامت کشیده‌ایم

او در اشعارش به تفاوت ویژه‌ای میان ملامتیان و دیگر فرقه‌های صوفیه اشاره دارد و معتقد است که صوفیان از قید هستی و دام خودپرستی رسته‌اند؛ نه خود را می‌بینند و نه خلق را. اما اهل ملامت، هم خود را می‌بینند و هم خلق را و چون باید با حجاب «خویش» و «خلق» مبارزه کنند، خوبی‌ها را پنهان و بدی‌ها را آشکار می‌سازند. (مشهور، ۱۳۸۳:

۴۶۰-۴۶۱)

عماد از شاعرانی بود که هرگز خود را به دام می، عشق پررویان و حب سیم و زر نیفکند و عنان اختیار خویش را از دست نداد. با این حال، حس جاه‌طلبی و خودپرستی فوق‌العاده او لحظه‌ای وی را راحت نمی‌گذارد (رادفر، ۱۳۷۸: ۴۲). به قول ناظرزاده کرمانی، این شاعر پاکدامن چنان در جاه‌طلبی بی‌اختیار بود که هرگاه پای منصب و جاه به میان می‌آمد، بسیاری از مکارم اخلاقی را که خود به دیگران تعلیم داده بود، به فراموشی می‌سپرد و از نفس جاه‌طلب و دوستدار مقام و منصب خود متابعت می‌کرد. همین جاه‌طلبی‌های عماد باعث شده بود که مقام رفیع وی در زهد و ورع، اخلاق، عرفان و شعر و ادب تنزل یابد (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۷۴: ۶۵).

بخشی دیگر از اندیشه عماد فقیه به پایبندی و اعتقاد شدید او به مبادی و اصول و احکام شرع برمی‌گردد. وی در جای جای آثارش به این پایبندی اشاره کرده است.

تأثیر اندیشه عماد فقیه بر شعر حافظ ۲۰۷

ای هر سحر کشیده سر در دواج دیبا
از خواب سر برآور شوقا الی المصلی
گر گوش هوش داری هر صبح و شام بشنو
آواز مرغ و ماهی، تسبیح کوه و دریا
در نه قدم به طاعت تا سرفراز باشی
با سعی نیمگامی، کامی نشد مهیا
گویند عماد هر دم در خستگی خاطر
ارحم علی علیک یا غافر الخطایا
جز آن، شیخ عماد بسیاری از اشعارش را به مسئله توحید و یگانگی خداوند اختصاص
داده است و مانند نظامی گنجوی در آغاز هریک از مثنوی‌های خود فصلی مشبع و
استادانه در این مورد دارد؛ به عنوان نمونه:

حمد الهی بنگار ای دبیر چون رقم از مشک زنی بر حریر
نام خدای اول هر نامه ساز عقد گوهر مرسله خامه ساز

(قاضی عسکر، ۱۳۸۳: ۳۲۲)

پس از حمد الهی، آنچه در آثار عماد چشمگیر است، ارادت خاص وی به حضرت
رسول (ص) و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام است، چنان‌که هریک از
مثنوی‌های پنج‌گنج او نخست با ستایش خداوند و سپس نعت پیامبر اکرم (ص) و نیز
اختران تابناک ولایت آغاز می‌شود. افزون بر این، عماد از آیات قرآن و روایات نیز در
اشعارش بهره برده است، از آن جمله‌اند:

چنان گشته بیخود ز جام الست که در محشر آیند شیدا و مست
که اشاره به آیه شریفه ۱۷۲ از سوره مبارکه «اعراف» است. یا:

از او خوان ادب زان شد مرتب که از تأدیب یزدان شد مؤدب
که اشاره‌ای است به سخن رسول اکرم (ص): «أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي» (وزیری‌نژاد،

۱۳۸۳: ۵۴۶).

جنبه دیگر اندیشه عمادالدین فقیه کرمانی دربارهٔ پند و اندرز است. بررسی غزل‌ها و مثنوی‌های عماد نشان می‌دهد که وی ضمن پند و اندرزهای اخلاقی به دیگران بر عامل بودن بر نصایح خویش تکیه دارد. او چون خود مرید مخلصی بوده است، درواقع می‌توان گفت که در همهٔ موارد، نفس خویش را مخاطب قرار داده است؛ چنان که می‌گوید:

تو پیر گوشه‌نشین را زیارتی نکنی؟ به نقد عمر و جوانی تجارتي نکنی؟
 خلاف خاطر صاحب‌دلان خطرناک است به هوش باش که ناگه جسارتي نکنی
 عماد در پندپذیری و حدیث نفس و توجه به خویش، در جایی که اندرزهای عالمانه و عارفانه‌اش راهبر دل‌های طالب سعادت و نفوس جویای حقیقت است، برای پیشگیری از خرده خواننده در خلال کلامش می‌گوید:

اگر بختم کشید اکنون در آغوش نکردم پایهٔ خود را فراموش
 ترا چون قرب حق گردد محصل مکن حال عبودیت مبدل

(قاضی عسکر، ۱۳۸۳: ۳۲۷)

موعظ عماد فقیه، مؤثر، حکیمانه و شیوا است و همه بر پختگی طبع و متانت فکر او دلالت دارد. مطالعهٔ بندهای مذهبی و اخلاص وی، خواننده را با این شاعر و عارف جهان‌دیده، سخن‌سنج، توانا و دیندار آشنا می‌کند:

بیچاره خسته‌ای که ز دارالشفاء دین قاروره می‌برد به حکیمان ره‌نشین
 از رنج راه و محنت بیماری‌اش چه غم آن را که خضر یار و مسیحا بود قرین
 (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۷۴: ۹۴ و ۹۷)

اگرچه اشعار عماد فقیه مملو از باورها و آداب صوفیانه است، از لحاظ وسعت و بلاغت با شاعران طراز اول پارسی قابل قیاس نیست. زیبایی و آراستگی ظاهری و نغزبودن اشعار او به پایهٔ سروده‌های مولوی و سعدی و حافظ نمی‌رسد. با این‌همه، شعر عماد به سبب برخورداری از نکات عمیق دینی و اصول و مبادی تصوف، جایگاه ویژه‌ای در ادب فارسی دارد (مدرسی، ۱۳۸۳: ۴۴۰).

عماد به جهات گوناگون مورد توجه خواجه‌حافظ بوده و به میزان بسیاری بر وی اثر

تأثیر اندیشهٔ عماد فقیه بر شعر حافظ ۲۰۹

گذاشته است. از دلایل توجهٔ حافظ به شیخ عماد می‌توان شهرت فراوان عماد در هنگام حیات، وجود معانی عرفانی و صوفیانه در سراسر اشعار او، مقام علمی عماد و تصوف او را برشمرد. (طغیانی، ۱۳۸۳: ۲۲۷-۲۲۶)

ادوارد براون مؤلف تاریخ ادبی ایران عقیده دارد که اگرچه طرز سخن خواجهی کرمانی، عماد فقیه کرمانی و کمال خجندی به شیوهٔ حافظ شبیه است، در واقع این خواجه و عماد بوده‌اند که راه را برای ظهور حافظ و اشعار ناب او فراهم کرده‌اند (براون، ۱۳۵۷: ۲۸۶). ابیات زیر نمونه‌هایی از تأثیرپذیری حافظ از عماد را نشان می‌دهد:

عماد:

بارها خرقة ما در گرو می کردند ورق دفتر ما رهن دف و نی کردند

حافظ:

سال‌ها خرقة ما در گرو صهبا بود رونق مدرسه از درس و دعای ما بود
عماد:

شب و روزم به جز از ذکر تو در خاطر نیست

بلکه در خلوت دل غیر تو خود حاضر نیست

حافظ:

مردم دیدهٔ ما جز به رُخت ناظر نیست

دل سرگشتهٔ ما غیر تو را ناگر نیست

(ناظرزادهٔ کرمانی، ۱۳۷۴: ۸۶)

عماد:

سیل فنا که خانهٔ هستی ما بکند نقشت فرو نشست ز لوح ضمیر ما

حافظ:

ای دل از سیل فنا بنیاد هستی برکنند

چون تو را نوح است کشتی‌بان ز توفان غم مخور

عماد:

آن‌که بی‌جرم برنجید و برفت از بر ما

جان به شکرانه دهم گر به صفا بازآید

حافظ:

آن‌که بی‌جرم برنجید و به تیغم زد و رفت

بازش آرید خدا را که صفایی بکنیم

(طغیانی، ۱۳۸۱: ۲۳۰-۲۲۹)

عماد:

مشکین خط ما رفت و خطایی نفرستاد

صد نامه نوشتیم و جوابی نفرستاد

حافظ:

دیری است که دلدار پیامی نفرستاد

ننوشت سلامی و کلامی نفرستاد

عماد:

هوای مجلس روحانیان معطر شد

ازین شمامه انفاس روح‌پرور دل

حافظ:

ز در درآ و شبستان ما منور کن

هوای مجلس روحانیان معطر کن

(رادفر، ۱۳۷۸: ۵۱)

عماد:

جهد کردم که شدم کشته‌ی شمشیر غمت

تا رسیدم به حیاتی که وفاتش نبود

حافظ:

زیر شمشیر غمش رقص‌کنان باید رفت

کان‌که شد کشته‌ی او نیک‌سرانجام افتاد

(طغیانی، ۱۳۸۱: ۲۲۹)

عماد:

چون صبا طوف گلشنم هوس است
همچو غنچه شکفتنم هوس است
راز من فاش گشت در عالم
وز همه کس نهفتنم هوس است

حافظ:

حال دل با تو گفتنم هوس است
خبر دل شنفتنم هوس است
طمع خام بین که قصه فاش
از رقیبان نهفتنم هوس است

(همان، ص ۲۳۰)

عماد:

تا بود سایه مهر رخ او بر سر ما
روی ابنای زمان باشد و خاک در ما
دل ما مجمر و در دامن خور آویزد
دود مشکین که برآید ز سر مجمر ما

حافظ:

بی‌غمت شاد مبادا دل غم‌پرور ما

غم خور ای دل که به جز غم نبود درخور ما
می‌کنم شادی از آن روز که گفتمی به رقیب

کین گدا کیست که هرگز نرود از در ما

(رادفر، ۱۳۷۸: ۱۳۵)

عماد:

از جان حزینم رمقی بیش نمانده است

جز دیده‌ی خونین و دل ریش نمانده است

حافظ:

بی‌مهر رخت چشم مرا نور نمانده است

وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است

عماد:

جویند مردم شادی ولیکن
کار عماد از غم می‌گشاید

حافظ:

گر دیگران به عیش و طرب خرمند و شاد

ما را غم نگار بود مایه‌ی سرور

(طغیانی، ۱۳۸۱: ۲۳۱)

بگذشت یار و بر من مسکین نظر نکرد

واندیشه زآب دیده و آه سحر نکرد

حافظ:

دل برفت و دلشدگان را خبر نکرد یاد حریف شهر و رفیق سحر نکرد

عماد:

مه با فروغ رویش نوری چنان ندارد گل تازه است او هم با رویش آن ندارد

حافظ:

جان بی‌جمال جانان میل جهان ندارد هرکس که این ندارد حقاً که آن ندارد

(رادفر، ۱۳۷۸: ۱۴۴)

عماد:

تو حاکمی و مرا سر بر آستانه‌ی توست

مکن خرابی ملک دلم که خانه‌ی توست

حافظ:

رواق منظر چشم من آشیانه‌ی توست

کرم نما و فرودآ که خانه‌ی توست

عماد:

اگر وظیفه‌ی آن سنگدل جگرخواری است

طریق عاشق ثابت‌قدم وفاداری است

چو زاری من بی‌دل به سمع او برسد

جزین قدر نزنند طعنه‌ام که بازاری است

تأثیر اندیشه عماد فقیه بر شعر حافظ ۲۱۳

(همان، ص ۱۳۷-۱۳۶)

نتیجه

باتوجه به نمونه اشعار بالا، به طور قطع و یقین می توان گفت که استاد غزل، حافظ شیرین سخن در سروده های خود از مضامین و گاه کلمات و ترکیبات شعر عمادالدین فقیه کرمانی، مانند برخی از شاعران همعصر خود - سلمان ساوجی و خواجه - بهره های بسیار برده است. اما ذکر این نکته ضروری است که لسان الغیب حافظ شیرازی به مدد نبوغ خارق العاده و توانایی های فراوان خود، آنچنان سخنش را از نظر صورت و محتوا، دقیق، زیبا و ظریف آراسته که کمتر می توان این گونه برداشت های او را تقلید و پیروی صرف از خواجه عماد فقیه تلقی کرد.

کتابنامه

براون، ادوارد. ۱۳۵۷ ش. تاریخ ادبی ایران؛ از سعدی تا جامی. ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت. ج ۳. ۴. تهران: امیرکبیر.

رادفر، ابوالقاسم. ۱۳۷۸ ش. نامه عماد. ج ۱. کرمان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

طغیانی، اسحاق. ۱۳۸۳ ش. «تأثیر عمادالدین فقیه کرمانی بر شمس الدین محمد حافظ شیرازی»، کوی سلامت.

عماد کرمانی. ۱۳۸۰ ش. مثنویهای عماد کرمانی. به تصحیح محمدرضا صرفی و داریوش کاظمی. ج ۱. کرمان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

_____ . ۱۳۷۵ ش. پنج گنج. به اهتمام رکن الدین همایونفرخ. ج ۱. تهران: دانشگاه ملی ایران.

_____ . ۱۳۴۸ ش. دیوان قصاید و غزلیات. به تصحیح رکن الدین همایونفرخ. ج ۱. تهران: ابن سینا.

قاضی عسکر، سیداحمد. ۱۳۸۳ ش. «بررسی افکار و عقاید خواجه عماد کرمانی»، کوی سلامت.

مدرسی، فاطمه. ۱۳۸۳ ش. «عماد فقیه پیر طریقت»، کوی سلامت، به کوشش محمدرضا صرفی،

- چ ۹، کرمان: دانشگاه شهید باهنر و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی،
مشهور، پروین دخت. ۱۳۸۳ ش. «عماد و ملامتیه»، کوی سلامت.
ناظرزاده کرمانی، احمد. ۱۳۷۴ ش. تحلیل دیوان و شرح حال عمادالدین فقیه کرمانی. به کوشش
فرهاد ناظرزاده کرمانی. چ ۱. تهران: سروش.
وزیری نژاد، ابوالفضل. ۱۳۸۳ ش. «بازتاب فرهنگ اسلامی در شعر خواجه عمادالدین علی فقیه
کرمانی»، کوی سلامت.